

این حرفه کسب و وسیله ثروتمندی نیست - حق الوکاله وکیل پاداشی است که موکل باو میدهد و در میزان پاداش نباید بحث و مجادله کرد - دار الوکاله وکیل ماعنی است برای مظلومان نه دکانی برای فروش کالا .

این مطالب مورد توجه عموم همکادانی که به این کسوت مقدس ملبس شده اند میباشد و امیدواریم علما نیز خلاف آن دیده نشود تا موجب تمقیب انتظامی که حافظ و نگهبان آن خود کانون وکلا است نگردد .



دکتر طباطبائی - علیمحمد

بطلان ، انحلال و فسخ عقد

مفهوم ذهنی بطلان - هر عقد که واجد شرایط ماهوی یا تشریفاتی مقررده نباشد باطل است ، بالنتیجه آثاری بر آن عقد مترتب نخواهد بود .
هرگاه درانجام عقدی يك قاعده قانونی رعایت نشود ضمانت اجرای این تخلف بطلان وعدم تأثیر آن عقد است .

نباید این شاخه برپایان آید که ضمانت اجرای باید حتماً جنبه جزایی داشته باشد . گرچه عده ای از علماء حقوق را عقیده بر آنست که ضمانت اجرای عبارت از تنبیه بدنی است که بمناسبت نقض يك قاعده قانونی اعمال میشود . البته این تمبیه برای ضمانت اجرای صحیح نیست چه ممکن است فشار مالی بعنوان ضمانت اجرا بر فردی وارد آید که آثار روحی آن بر مراتب شدیدتر از يك جزای بدنی باشد . حتی اشخاصی هستند که از لحاظ علاقه ای که بمال دنیا دارند حاضرند در موقع تحمل مجازات جان خود را بدهند ولی چیزی از مال خود را بعنوان جریمه اذ دست ندهند .

برای درک بهتر مفهوم ذهنی ضمانت اجرا تعریف ساده حقوقی آنرا در نظر میگیریم :
ضمانت اجرا نتیجه نقض يك قاعده حقوقی است . این ضمانت اجرا يك واکنشی ایجاد مینماید ، یعنی بطور کلی يك واقعه ناگواری را برای مسبب نقض قاعده پیش می آورد . در صورت لزوم ممکن است که این ضمانت اجرا از طرف نیروی عمومی (قدرت دولتی) تحمیل شود . ضمانت اجرا مذکور بوسیله يك قاعده حقوقی تعیین میگردد .

تئوری حقوقی غالباً کلمه اجبار (Zwang) Contrainte را دومورد همینایده (۱) استعمال میکنند. مذهباً هروقتی از کلمه اجبار صحبت میکنند موضوع عبارت از الزام بک نفر متخلف بانجم آن نهدمی است که ازاجراء آن امتناع دارد. درصورتیکه اصطلاح ضمانت اجراء اکثرأ بوددی اختصاص داردکه نمیتوان ملزوم را مجبور کرد بلکه فقط می توان تحت اشکال دیگری نتایج رفتار غیرقانونی او را بارکرد.

فراواقع منظور ازضمانت اجرا اعمال بک فشاری بر اشخاص مسئول در قبال مقام قضائی است تا بدین ترتیب اولاً آنها اطاعت ازحقوق بنمایند ثانیاً آثار بک روش مخالفحقوق را خشی یا جبران کنند.

بهرصورت باد نظر گرفتن مفهوم ذهنی ضمانت اجراء میتوان گفت که بطلان طبیعت مجازات یا جنبه تاوانرا دارد.

بطوریکه گفته شد بطلان عقد همان ضمانت اجرای عدم رعایت قانون است. اینایده خیلی ساده بنظر میرسد درصورتیکه تئوری بطلان خیلی پیچیده است. باوجودیکه تئوری بطلان بالذاته پیچیده است گاهی اوقات ابهام بعضی ازمواد قانون مدنی بر پیچیدگی مسئله افزوده اند، چنانکه آقای دکتر شایگان دراره این موضوع در کتاب حقوق مدنی خود (د صفحه ۱۵۲ - پاراگراف ۱۹۳) تحت عنوان اشکال سوم چنین می نویسد:

« اشکال سوم ناشی از خود بطلان وعدم نفوذ نیست بلکه ناشی از امر دیگری است که در نتیجه بطلان وعدم نفوذ را متشوش میسازد.

« توضیح آنکه قانونگذار جلد اول قانون مدنی عدم اهلیت را بر خلاف فقها غیر از حجر دانسته اند یعنی منع تصرف در اموال را در مورد صغر و سفیه و مجنون عدم اهلیت و در سایر موارد حجر خوانده اند. باین دلیل است که ماده ۲۱۲ میگوید:

« معامه با اشخاص که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند براسطه عدم اهلیت باطل است. ماده ۲۱۳ میگوید: معامله معجورین نافذ نیست.

« درجلد سوم قانونگذار تغییر اصطلاح داده و سفیه و سفیه و مجنون را از موارد حجر شمرده است چنانکه ماده ۱۲۰۷ میگوید: اشخاص ذیل معجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱- صغار

۲- اشخاص غیر رشید

۳- مجانین

و حق هم همین است زیرا حجر اعم است از صغر و سفیه و مجنون و غیره (در فقه حجر بر صغر و سفیه و مجنون و فلس و ورق و مرثی یعنی مرض موت اطلاق میشود. «

باری منظور از توضیح چند سطر فوق تأیید ایراد این جانب در مورد ابهام مسئله بطلان وعدم نفوذ در بعضی ازمواد قانون مدنی است.

(۱) - اختلاف ایده Ideé از فکر Pensée آست که ایده مقدمه تشکیل فکر است. ایده همان چیزی است که افلاطون به «مثل» تعبیر مینماید و تقریباً نظیر همان آری است که هگل Hegel فیلسوف معروف آلمانی آنرا مقدمه تشکیل عالم میدانند از این جهت است که او را ایده آلیست میخوانند.

این نکته را متذکر می‌شویم که قانون مدنی ایران مانند بعضی از کده های اروپایی از قبیل کده قانون مدنی و تهمدات سوئیس (که قبلاً قواعد دو کده محسوب می‌شوند) بر مبنای یک سیستم علمی تنظیم نشده است. رای آگاهی خوانندگان توضیح می‌دهد که قانون تهمدات سوئیس بدو قسمت شده: قسمت عمومی و قسمت خصوصی. قسمت عمومی آنکه از ۱۸۳ ماده تشکیل شده که مربوط به مفاهیم ذهنی کلی از قبیل تعریف عقد، اشتباه، حسن نیت، عادت، بطلان، فسخ، اثرات تهمد، اجراء تهمد و غیره می‌باشد. ماده ۲۰ قانون تهمدات سوئیس (قسمت عمومی) که عنوان حاشیه آن کلمه «بطلان» است چنین اشمار دارد:

«اگر موضوع عقدی غیر ممکن یا غیر مشروع یا مغایر اخلاق باشد آن عقد باطل است. اگر بعضی از شروط عقد معلول باشد همان شرایط باطل خواهند بود مگر آنکه قبول شود که آن عقد بدون آن شرایط منقذ نیست.»

بنابراین ماده مذکور که تحت عنوان «بطلان» در قانون تهمدات درج شده قانون عامی است که در تمام موارد خاص اعمال می‌شود.

البته ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران هم شرایطی برای صحت معامله ذکر کرده است ولی تحت عنوان خاص «بطلان» ماده ندارد و مواد ۲۱۲ و ۲۱۳ هم که فوقاً مذکور گردید بقدری مبهم است که ایجاد اشتباه و زحمت برای قضات و وکلاء نموده است.

مسائلی که دنبال مسئله بطلان ممکن است طرح شوند چنین اند: آیا عقد باطل وجود دارد یا غیر موجود است؟ چه کسی می‌تواند تقاضای ابطال عقد باطل را بنماید و در چه مدتی این تقاضا امکان دارد؟ آیا ممکن است عقد باطل را بایک عمل بعدی متبیر کرد یا اینکسه بطلان بکلی موجب محو آثار کلیه عقد می‌شود؟

تفاوت بطلان از عدم وجود.

عده ای را عقیده بر آن است که عقد باطل اصلاً وجود ندارد چنانکه تقریباً این معنی از کتاب حقوقی مدنی آذانی ذکر شده است. هم مفهوم می‌شود. یک عقد باطل اگر از لحاظ قانون اصول حقوق وجود ندارد ولی یک وجود ظاهری داشته و گاهی هم عملاً به اجرا گذارده شده یا شروع با اجرا شده است. بهترین دلیل بر موجودیت ظاهری عقد باطل آنست که دادگاه باید اظهار نظر بر بطلان آن بنماید و هیچیک از متناقضین حق ندارند پیش خود آنرا باطل اعلام نمایند. نمیتوان تصور کرد که آن عقای که بواسطه فاقه بودن یکی از عناصر اصلی عقد از قبیل عدم رضایت یکی از متناقضین یا اشتقی بودن موضوع معامله باطل است اصلاً وجود ندارد.

وضعی که در اثر عقد باطل باثقل موجود است:

مادامیکه حکم دادگاه در مورد بطلان عقد صادر نگردیده اوضاع حاصله از عقد باطل با ضروری ابطال وجود دارد؛ مثلاً اگر موضوع عبارت از بیع است فروخته شئی را تسلیم کرده و خریدار قیمت را پرداخت نموده است. اگر موضوع عبارت از اجاره است موجر ملک غیر منقول را تحویل داده مستاجر مال الاجاره را پرداخته است. اگر موضوع عبارت از یک شرکت است شرکت ادامه شده و شرکاء منافع حاصله را تقسیم کرده اند. بنابراین بطلان به منزله نفی شناسائی قانونی این وضع موجود است که با وجود عقد باطل هنوز ادامه دارد.

بطلان یا معتبر کردن بعدی يك عقد :

گرچه بطور کلی قانون عطف با سابق نمیکند ولی ممکن است مواردی پیش آید که نفع عموم اقتضا کند که عقد صحیحی باطل شود . مثل آنکه قانون جدیدی وضع شود که موجب بطلان يك عقدی گردد که بر اساس قانون قدیم منعقد شده است .

برعکس ممکن است که يك عقدی از مبنی باطل باشد لکن بعداً معتبر شود . مثل آنوردی که قانون جدید نهی قانون قدیم را از بین میبرد و اعمال قانون جدید در مورد عقد باطل بلحاظ يك سیاست قضایی (مساعدت بمتقاضین) است . همچنین است در موردی که شرایط مفقود در موقع تشکیل عقد بعداً ایجاد شود

بنحویکه قبلاً متذکر شدیم بعضی اوقات ممکن است که يك شرط از شروط عقد باطل باشد در اینصورت خود این شرط باطل است نه تمام عقد ، مگر آنکه آن شرط قاطع عقد باشد یعنی عقد بمناسبت آن شرط منعقد شده باشد در اینصورت اصل عقد باطل است (بماده ۲۳۲ بیعه قانون مدنی مراجعه شود)

علل بطلان

موارد کلی بطلان (بهمنای عام) عبارت است از :

- ۱ - فقدان یا معلولیت رضا
- ۲ - عدم اهلیت یا حجر
- ۳ - نقض قواعد تشریفاتی در موارد اجباری
- ۴ - غیر موجود بودن و غیر ممکن بودن موضوع
- ۵ - غیر مشروع و غیر اخلاقی بودن موضوع
- ۶ - تعهد بدون جهت یا غیر مشروع و غیر اخلاقی بودن جهت آن

طبقه بندی بطلان

بطلان يك تفکیک کلاسیک دارد که آن بطلان نسبی و بطلان مطلق است :
 بطلان مطلق ضمانت اجراء نقض قانون است و هر شخص ذینفعی حق اعدای چنین بطلانی را دارد . این بطلان مانند بطلان نسبی قابل تنقیح نیست و بوسیله مرور زمان از بین نمیروند .
 بطلان نسبی ضمانت اجراء نقض آن قواعدی است که برای حمایت متفاعدین منظور شده اند . شخصی میتواند مدعی چنین بطلانی شود که قانون خواسته است فقط آن شخص را حمایت کند . بطلان نسبی بوسیله مرور زمان از بین میروند و قابل تنقیح است .

تقسیم بندی فوق که يك تقسیم بندی قدیمی است امروز سخت مورد حمله واقع شده زیرا معنای این تقسیم بندی آنستکه عقد ممکن است بطور کم و بیش از لحاظ غیر قانونی بودن ملکوک باشد . در صورتیکه عهده راین است که امر مخالف قانون امری غیر قانونی است و غیر قانونی بودن کم و زیاد ندارد .

اگر درست توجه شود روشن میشود که تقسیم بندی فوق بر اساس حمایت منافع خصوصی یا حمایت منفعت اجتماع حقوقی است :

مثلاً معامله يك شربی که خارج از تجارت حقوقی است باطل است منفعت عمومی ایجاب میکند که حکم بطلان آن معامله داده شود .

برعکس وقتی که نقی در اثر اشتباه منعقد شده فقط بمنفعت خصوصی یکی از متعاقبین ممکن است لطمه وارد آورد .

پس بطلان وقتی بطلان مطلق است که آن قاعده‌ایکه برای حفظ منافع عمومی است نقض شده باشد منافع عمومی که جهت موضوع آن مخالف شرع و اخلاق است، با قواحد تشریفاتی را که برای امنیت تجارت یا اعتبار عمومی لازم است رعایت نکرده باشند. بعضی اوقات رعایت بطلان از لحاظ حفظ نظم عمومی است. البته این امر در مواعی است که قاعده نقض شده دارای یک خصوصیت اصلی باشد؛ بنا بر این اجزاء آن عقد نقض آن قاعده اخلاقی در سازمان حقوقی مینماید که نظم عمومی و منافع عالیتری ایجاد میکند که آن عقد باطل شود. لذا ناضی از لحاظ وظیفه اداری خود موظف بابطال چنین عقدی است، حتی ممکن است که مدعی العموم اشکار عمل را دست گیرد و تقاضای ابطال چنین عقد باطلی را از دادگاه بخواهد .

بطلان نسبی بمنظور حمایت منفعت خصوصی است و این امر در مورد معلولیت رضا یا عدم اهلیت یا فقدان و معلول بودن جهت بیش میآید . ممکن است قاعده‌ای که برای نظم عمومی و اقتصادی است نقض شود ولی بطلان آن بطلان نسبی باشد و این در موردی است که دولت برای حمایت ضعیف تر دخالت کرده و بعنوان نقض یک قاعده امری به پیشگاه دادگاه شکایت میکند . این مورد در عقیده و عقد کار تحقق مینماید .

برای ابطال عقد باید بدادگاه مراجعه شود و هیچکس نمیتواند بیش خود حکم دهد . لکن ممکن است که طرفین وانف بر بطلان عقد باشند و به تراضی وضع تلاهاری موجود را از بین ببرند .

اعتراض قضایی بطلان ممکن است وسیله یک شخص ذینفعی بول آید و در موقع اجرای تمهید از طریق ایران بطلان انجام شود .

حقوق مدنی آلمان بجهت اقتصادی قضیه را ساده کرده است بدین ترتیب که آن طرفی که میتواند بطلان را استناد کند برای طرف دیگر یک اخطاری در مورد بطلان میفرستد ، با ارسال این اعلامیه عقد باطل می‌شود. البته این عمل ساده کردن توهمی بیش نیست چه اگر طرف منکر قضیه شود باز ادراج امر بدادگاه ضروری است.

در حقوق اسپانی (حقوق قبل از حنک بین الملل اول) اشتباه در شخص، عنف (Coacion)، ترس که موجب معلولیت رضا میشوند از موارد بطلان عقد ازدواج اند ولی اگر در طرف شش ماه پس از دفع اشتباه، با تهنید با عنف زوجین زندگی معمولی خود را ادامه دهند و در ابتدای تقاضای ابطال عقد ازدواج رانندوندن آن ازدواج از آن پس منتهی شناخته خواهد شد.

ضمناً متذکر می‌گردد که در کشور اسپانی برای ابطال عقد ازدواج دادگاههای عرف صالح برای رسیدگی هستند و بعضی اینکه دادخواست تقدیم دادگاه صالحه شد دادرس دادگاه تنها بر اعتیاطی برای مدت دادرسی اتخاذ میکند بدین ترتیب که زوج در محل امنی منزل میکند، اولادان زوجین بقدرت اوضاع واحوال بیکی از آن دو واگذار میشوند، رای زن و اولادان نفقه تعیین می‌گردد . نظارت در اموال مشترک زوجین خواهد شد این وضع ادامه دارد تا حکم قطعی ابطال ازدواج صادر گردد.

دهوی بطلان در حقوق اسپانی با بصورت (rescision) است و آن در موردی است که یکی از طرفین متضرر (lésion) شده باشد این نوع بطلان مادامیکه تقاضای ابطال آن نشده بظاهر معتبر است و تمام آثار عقد صحیح را دارد با بصورت همان بطلان به مفهوم ومصطاح کلمه است که یکی از شرایط اصلی عقدا که مربوط بذات باطل (intérensèque) یا ذات خارج (extrérensèque) است فاقد میباشد این نوع عقد صحیح آثاری ایجاد نمیکند.

در حقوق فرانسه بین تثبیت عقد (confirmation) و تنفیذ عقد (ratification) یک اختلافی موجود است ولی در حقوق ایران چنین تفکیکی علی الظاهر وجود ندارد

تثبیت يك عقد باطل

تثبیت عقد همان معتبر کردن يك عقد باطل است این عمل متمم انجام میشود تا چنین عقدی غیر قابل اعتراض باشد عمل تثبیت گاهی از طریق جانشین کردن يك عنصر معتبر انجام می گردد و گاهی فقط از طریق اصراف از حق تقاضای بطلان صورت پذیراست (ماده ۱۳۳۸ حقوق فرانسه). تثبیت عقد وقتی امکان دارد که بلافاصله علت بطلان بوسیله اراده یکی از طرفین از بین برود کسی می تواند عقدا تثبت کند که حق تقاضای بطلان عقدا دارد ولی وقتی که عقد از لحاظ جهت و موضوع مضایف شرع و اخلاق باشد تثبیت عقدا امکان ندارد، همچنین این امر وقتی غیر ممکن است که منافع شخص ثالثی در خطر باشد چه طرفین عقد نمیتوانند با ابراز اراده خود لطیفه بمنافع دیگری وارد آورند.

عقدی که تثبیت میشود آن وضع حقوقی که با العمل موجود بوده است با قوه تثبیت میکند یعنی تمام آثار حاصله از عقد باطل را معتبر مینماید

وجه افتراق تثبیت عقد و تشکیل بدوی عقد :

مسئله تثبیت و تشکیل بدوی عقد را نباید با هم مخلوط کرد. تشکیل بدوی عقدها بر آن است که بقصد باطل آن عنصر بر آید از ابتدا نافذ بوده است اضافه نمایند و بدین ترتیب عقد را کامل کنند. عقد زمانی تشکیل شده است که تمام عناصر آن جمع باشند و این امر امکان ندارد مگر آنکه شرایط اعتبار عقد تا زمان اجتماع تمام این عناصر محفوظ باشند. برعکس تثبیت عقد را از همان زمان انعقاد معتبر مینماید.

تفاوت تثبیت عقد از تنفیذ عقد

گر چه قانون ایران عموماً این دو اصطلاح را مرادف یکدیگر استعمال میکند ولی اصولاً اختلافی بین این دو وجود دارد. وجه اشتراك آنها اینست که بقصد اثر حاصل خود درآید. ولی در تنفیذ فرض بر این است که عقد بالذاته معتبر است الا آنکه عقد بوسیله يك فرد بیکه اختیارات کافی نداشته منقذ شده است، در صورتیکه تثبیت عقد در مورد يك عقد که ذاتاً باطل است اعمال میشود. تنفیذ همیشه يك طرفه است و قرار داد نیست و بعضی احوال يك طرف طرف دیگر پای بند به تعهدات قبل میشود.

فرق بطلان از انحلال عقد (بهم زدن عقد)

انحلال مانند بطلان موجب احوال اوضاع حقوقی حاصله از عقد میشود.

اگر يك شبهه‌نی بین آثار این دو موجود است ولی يك اختلاف مهمی بین علل آنها از برای اذین بردن عقد وجود دارد .
عقد منحل ازاصل معتبر است. برای اینکه يك چنین عقدی منحل شود لازم است يك امری پس از انعقاد عقد بوجود آید . عدم اجرای تعهد از طرف یکی از متعاقدين باعث بطلان خودن عقد میشود

فسخ عقد

آثار فسخ عطف بمسبق نمیشود و از همان زمان اعلام فسخ عقد از بین میرود بنابراین عقد تا زمان فسخ تمام آثار خود را تمام و کمال ایجاد میکند .
فسخ بدون نحو صورت میگیرد : یا بوسیله اراده متعاقدين یا بوسیله اذین رفتن يك عنصر لازم الاجرا عقد حاصل میشود . بنابراین نباید فسخ عقد را با انحلال عقد که در اثر عدم اجرای عمدی عقد یا بازی يك شرط عقد صورت میگیرد اشتباه کرد .
فسخ ارادی بوسیله يك قرارداد جدیدی که موضوع آن قرارداد انهدام عقد اول است انجام میشود . با اصطلاح گفته میشود يك *Mutus dissensus* وجود دارد . این نوع فسخ را غالباً فسخ دوستانه مینامند .

شاید برای عده‌ای از حقوق‌دانان این امر شکفت آور باشد که گفته میشود در فسخ قرارداد جدیدی وجود دارد ولی این نکته را متذکر میگردیم که در این قرارداد جدید فسخ یکی از طرفین اراده خود را قبلاً یعنی هنگام انعقاد عقد اول ابراز داشته بعضی اینکه طرف دیگر بعد از اراده خود را اعلام داشت قرارداد بسته شده عقد فسخ میگردد ، یعنی طبق این قرارداد جدیدی بسته شده بازمیشود . ولی اگر طرفین باهم تراضی نمایند که عقدا برهم زنند یعنی در این نوع دو اراده ابراز شود قرارداد جدیدی که بسته میشود در اصطلاح حقوق ایران فسخ نام دارد (مانند اقاله)

آثار بطلان

پس از تقاضای بطلان قاضی تحقیق میکند که آیا عقد مورد بحث واجد آن عناصر لازم برای اعتبار عقد هست یاخیر . ولی در مفهوم ذهنی بطلان يك چیز دیگری غیر از این اثبات قضائی از احاطه بطلان وجود دارد

همانطور که گفته شد پس از ایجاد عقد باطل يك وضع عملی حاصل میشود و روابط الزام‌آوری طرفین را ظاهراً بیکدیگر مربوط میسازد ، این وضعی که با تقبل موجود است باید اذین برود و این وضع ظاهری حذف شود بطلان آنچه را که موجب نقض احکام قانون شده اذین میرود ، این يك اثری است که عطف بمقابل میشود .

پس از بطلان آنچه که داده شده باید مسترد گردد مثل اینکه اصلا عقدی واقع نشده است . در ضمن ابطال عقد ممکن است مسئله مسئولیت پیش آید و این مسئله ممکن است نتیجه يك خطایی باشد که در ضمن عقد یکی از طرفین مرتکب شده باشد .

برگشت تعهدات قانونی انجام شده

طرفین باید متقابلاً آنچه را (کالا یا جزأ) که طاق وعده انجام داده اند مسترد دارند .
عقد باطل نمیتواند يك رابطه حقوقی *Lien juridique* ایجاد نماید ولی بطلان الزامات واقعی

(۵۰) ایجاد میکند . همانصورت که اگر عقد صحیح میبود لازم می آمد تمام تمهدات انجام شود وقتی هم عقد باطل شد تمهدات انجام شده باید برگشت شوند . ممکن است که آثار بطلان متوجه هر شخصی که در اثر این عقد باطل با حق منتقل گردیده بشود .

کسی که تقاضای بطلان را میکند نباید متحمل ضرری بشود مگر آنکه خطائی مرتکب شده باشد (در انعقاد قرارداد) . ممکن است که علت بطلان اشتباه یا مسامحه یک طرف باشد و طرف دیگر با داشتن حسن نیت بی خبر از اشتباه یا مسامحه طرف مقابل باشد لذا اشتباه کننده باید متحمل خسارات حاصله بشود .

هریک Hering حقوقدان معروف آلمانی عقیده دارد که باید در این مورد تئوری Culpa in contrahendo (مسئولیت قرار دادی) اعمال شود . این تئوری مبتنی بر این نظریه است که وقتی یک شخصی از طریق عقد متعهد میشود در اینصورت با ابراز اراده خود ا مقادیر عقد معتبری را تأیید میکند . پس اگر بعد از تقاضای بطلان کند (روی اشتباه یا مسامحه) مانده آن حسن نیتی است که بطور ضمنی معمولاً قبل از انعقاد عقد وجود دارد ، بنابراین دارای مسئولیت قراردادی خواهد بود .

ابوالفضل لسانی

مجازات اعدام (۲)

مقررات کیفری در آئین زرتشت

بعد از الواح حموربی تعیین کردن قدمت تاریخی شرایع و ادیان و یا مقررات موضوعه از طرف دولتهای ملنی که در اعصار قدیمه به مرحله تمدن رسیده بودند خالی از اشکال نیست . چه آنکه تاریخ مدنیت بشر بالاتر از شش قرن قبل از میلاد بسیار مبهم و تاریک است ولی در شرح حال من ناچار از سه بحث زرتشت وارد بحث میشوم و قوانینی که در آئین زرتشت برای کیفر بزه ران مقرر شده کم و بیش که بدست آمده ذکر میکنیم و بعداً نسبت به قوانین مدون در یونان قدیم و هندوستان و مصر و سپس شریعت موسی اشاره کرده و امیدوارم بتوانم بقدر امکان مطلب را روشن نسازم .